

دکتر عظمیٰ زرین نازیہ
استاد یار
گروه زبان و ادبیات فارسی،
دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان

سیرت و جمالِ محمدی در شعرِ شیخ محمد ایوب گورداسپوری

چکیده:

شعر سرائی به زبانِ فارسی افتخارِ شعرائِ شبه قاره بوده است۔ اندیشمندان و شاعرانِ نام آور این سرزمین غیر از زبان اردو (زبانِ ملی پاکستان) فارسی را وسیلهٔ اظهار نظر ساخته اند۔ در میان شعرائِ معاصر شبه قاره محمد حسن قتیل، مرزا اسد اللہ غالب، علامہ محمد اقبال لاهوری، غلام قادر گرامی، شبلی نعمانی، مولانا ظفر علی خان، دکتر سید محمد اکرم شاه و شخصیات بزرگی به فارسی شعر سروده اند۔
شیخ محمد ایوب گورداسپوری (۱۹۰۹ - ۱۹۸۱ م) که مقلد معروف اقبال لاهوری است، زبان فارسی را انتخاب کرد۔ ایوب آثاری مانند نوای فردا، آب حیوان، انوارِ جمال و سوزِ نفس به یادگار گذاشته است۔ شعرش علاوه بر مضامین ملی و اخلاقی سرشار از عشقِ محمدی است۔

در این مقاله مناجات و نعت و منقبت در شعر ایوب مورد بحث قرار گرفته است۔

شیخ محمد ایوب فرزند شیخ نور محمد متخلص به ”ایوب“

شاعر فارسی گوی شبه قاره در شهرستان "هراره" از توابع "گورداسپور" هندوستان در ۱۳۲۷ ق/ ۱۹۰۹ م به دنیا آمد. (عبدالرشید: ۱۹۶۷ م، ص ۶۶؛ احمد: ۲۰۰۵ م، ۶/۸۳) پدرش نور محمد که مردی عارف و متدین بود، در بچگی اش فوت شد. محمد ایوب تحصیلات مقدماتی در گورداسپور فرا گرفت، او در سال ۱۳۲۶ ق/ ۱۹۲۷ م دوره دبیرستان را به پایان رسانید و همان سال به لاهور رفت و در اداره قطار راه آهن مشغول به کار شد. سپس به دهلی رفت و تا استقلال پاکستان در همانجا اقامت داشت. ایوب در ۱۳۵۴ ق/ ۱۹۳۵ م از دانشگاه پنجاب لاهور ادیب فاضل و در ۱۳۶۱ ق/ ۱۹۴۲ م منشی فاضل و لیسانس گرفت. در سال ۱۳۶۵ ق/ ۱۹۴۶ م از دانشگاه سند، مدرک فوق لیسانس گرفت. در ۱۳۵۷ ق/ ۱۹۳۸ م در امتحان حسابداری بخش قطار راه آهن (Railway Accounts) موفق شد. در سال ۱۳۷۹ ق/ ۱۹۶۰ م به عنوان مشاور وزیر (Deputy Secretary) در بخش قطار راه آهن نیز کار کرد. و در ۱۳۹۷ ق/ ۱۹۷۷ م باز نشسته شد. پس از باز نشستگی در وزارت اقتصاد و مالیات به عنوان مشیر و رائزن نیز انجام وظیفه داد. (عبدالرشید: ۱۹۶۷ م، ص ۶۶؛ احمد: ۲۰۰۵ م، ۶/۸۳) ایوب در ۱۴۰۲ ق/ ۱۲ اکتوبر ۱۹۸۱ م در گذشت و در گورستان مرکزی، اسلام آباد، پاکستان دفن شد. (سلیج، محمد منیر: ۲۰۰۶ م، ص ۷۱۵)

آثار:

از محمد ایوب آثار منظوم به زبان اردو و فارسی به یادگار مانده است که شرح آنها بدینگونه است.

۱- نوای فردا:

اولین مجموعه شعر فارسی ایوب است که با مقدمه استاد سعید

نقیسی، استاد معروف ادبیات فارسی ایرانی، و دیباچه محمد رفیع الدین، رئیس وقت اکادمی اقبال پاکستان، در لاهور در ۱۹۵۶م در ۲۰۰ صفحه چاپ شد. این کتاب در پیروی زبور عجم (لاهور، ۱۹۲۷م) مجموعه شعری فارسی محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸م)، سروده شده است. در همان وزن و بحر و ردیف و قافیه، مطلع، مقطع و تعداد اشعار از آغاز تا پایان (کتاب) کاملاً در اتباع زبور عجم هست که نمونه اینگونه پیروی در شعر سرایی فارسی در شبه قاره کم نظیر است. خودش اعتراف می نماید:

ایوب که از اقبال بی شعله آهی نیست بی ذوق
 آموخت جگر سوزی نگاه می نیست

(ایوب: ۱۹۵۶م، ص ۱۵۰)

”نوای فردا“ دو بخش دارد، بخش اول دارای ۸۶ صفحه و ۵۶ منظومه است. در بخش دوم از صفحه ۸۷ الی ۲۰۰ هفتاد و پنج غزل است. محمد حسین تسییحی، شاعر، ادیب و نسخه شناس ایرانی، در باره این مجموعه چنین می نویسد:

”نوای فردا“ مجموعه نغماتی است، پُر درد و سوز و گداز و در عین حال کیف آور و بصیرت افروز که بعد از نشر ”زبور عجم“، سروده اقبال، نخستین بار به ملاحظه ارباب قلم و نظر رسیده است. (تسییحی: ۱۹۷۷م، ۱/۷۷)

۲- آب حیوان:

مجموعه غزل، منظومه و قطعات فارسی ایوب است که در ۱۹۰۹م در لاهور در ۱۹۱ صفحه به چاپ رسید. شاعر در این اثر خود از غزل های سعدی، حافظ، رومی، عراقی، جامی، بوعلی قلندر، امیر

خسرو و اقبال لاهوری تضمین کرده است. موضوع مورد پسند وی در این کتاب عشق رسول است. در آخر این کتاب ترانه های ملی نیز آورده شده است.

پس از پیش لفظ و دیباچه از صفحه ۷ تا ۴۲ زیر عنوان "لمعات" دو بیتی ها، از صفحه ۴۳ تا ۱۵۲ زیر عنوان "ایهامات" غزل ها، و از صفحه ۱۵۵ تا ۱۷۴ رباعیات، قطعات و تک بیت ها، و از صفحه ۱۷۷ تا ۱۹۱ زیر عنوان "احوال" درباره علامه اقبال (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م) وقائد اعظم محمد علی جناح (۱۸۷۶-۱۹۴۸ م) بیت آمده است.

۳- انوار جمال:

سومین مجموعه شعر فارسی ایوب که در بردارنده دو بیتی ها و غزل ها است با پیش لفظ عبدالحمید عرفانی (۱۹۰۷-۱۹۹۰ م) شاعر و ادیب زبان اردو و فارسی اقبال شناس معروف و سرقونصل قونصلگری پاکستان در ایران، و دیباچه حافظ مظهر الدین مظهر (۱۹۱۴-۱۹۸۱ م) مترجم و روزنامه نویس و شاعر نعت گوی معروف اردو و فارسی، در سال ۱۹۷۹ م در لاهور چاپ شد.

بعد از پیش لفظ و دیباچه از صفحه ۲۱ تا ۴۸، چهل وهفت دو بیتی زیر عنوان گل های محبت و از صفحه ۵۱ تا ۱۹۰، زیر عنوان "نغمات شوق" ۹۷ غزل درج است. موضوع این کتاب بیشتر حمد و نعت و منقبت است.

۴- سوز نفس:

مجموعه قطعات، غزل ها و منظومه های اردو است. این کتاب ۱۹۲ صفحه دارد. در شعر ایوب علاوه بر مضامین ملی و اخلاقی، عشق رسول موضوع مهمی است. ایوب به چهار زبان فارسی، عربی، اردو

وانگلیسی دسترس کامل داشت- شعروی تغزل و آهنگ دارد- او فلسفه و شعر اقبال را خیلی گرامی می داشت واز او تقلید می کرد- همان نسبتی که اقبال با مولانا رومی داشته ، محمد ایوب با اقبال لاهوری ایجاد کرده است-

”استاد سعید نفیسی“ درین مورد در کتاب ”نوای فردا“ می

نویسد:

”شاعرِ توانا محمد ایوب خان یکی از زبردست ترین پیروانِ این روشِ خاصِ محمد اقبال است- کسی که باروشِ اقبال اُنس گرفته باشد، همه جادمِ مسیحایی وی را در ”نوای فردا“ می بیند- در هر صفحهٔ این کتاب، اشعارِ بلند که از حیثِ لفظ و معنی شایستگیِ خاصی دارد، فراوان است- برای ایرانیان هیچ چیز گوارا و دل پسند تر از این نیست که سرایندهٔ پاکستان تا این اندازه در بیانِ عالی ترین احساساتِ مردی و مردانگی در زبانِ فارسی چیره و توانا باشد- من از جانبِ فارسی زبانان، آقای محمد ایوب خان را که چنین اثر جالبی را بر ادبیاتِ فارسی افزوده است، تبریک می گویم“-(ایوب: ۱۹۷۹م، ص ۱۰)

شعرِ ایوب بیشتر مشتمل بر مناجات و نعت و حمد و منقبت است- در غزل های نعتیه، ایوب از سیرت و جمالِ محمدی وصف می نماید- روح ایوب با عشق محمد(ص) به اندازه ای سرشار و با نورِ عشقِ رسول الله(ص) مَنوَر است که او همه جا انوارِ خداوندی را می بیند- او صد جان را بر نامِ محمد نثار می کند و خودش را غلامِ مصطفی و غلامِ شه لولاک و غلامِ شه کونین، می گوید:

هستم ز بندگانِ غلامانِ مصطفی (ایوب: ۱۹۵۶م، ص ۱۰)

من از ادنی غلامانِ شه لولاک می آیم (همو، همان، ص ۳۳)

غلامی از غلامان شه کونین می باشم (همو، همان، ص ۳۶)

”خواجه عبدالحمید عرفانی“ زیر عنوان ”پیش لفظ“ بر کتاب ”انوار جمال“ می نویسد: ”من نگارنده حقیر با بصارت ضعیف روحانی، ایوب را فنا فی الرسول (ص) می بینم و نمی توانم ایوب را از ذات اقدس محبوب وی جدا تشخیص دهم“ - (ایوب: ۱۹۷۹ م، ص ۴)

اونبی را ”رحمة للعالمین“ گفته، به رحمتش امیدوار است:

ایوب مانند اقبال بر وضع ناراحت کننده امت مسلمه نوحه خوانی می کند و برای بخشایش ملت ره گم کرده، در حضور سرور کونین التجامی کند.

”الحق اشعار دلگدازی که شاعر درین مجموعه در تمذید ”نوی فردا“ سروده است، همه زبان و بیان عشق همه گیر مصطفی است“ - (همو، همان، ص ۵)

ایوب عشق محمدراسرمایه حیات می داند و می گوید:

از خدا پرسید مردی نکته رس زندگی آیا بود تا نفس؟
گفت، گویم با تو از سر حیات زندگی عشق محمد هست و بس
(همو، همان، ص ۲۰)

در نعت ایوب گورد اسپوری ترکیبات و تشبیهات و استعاراتی که به کار برده شده است، از ذوق و قریحه سرشار شعروی خبر می دهد.

رسول الله (ص) را شمس منزل نصف النهار، باده بهار، رحمت پروردگار، غمگسار امت و راحت لیل و نهار می گوید.

وی در برخی از نعت های پیامبر ترکیبات و اصطلاحات عربی نیز به کار برده است. جایی که ”شهبوار عمل“ می گوید، توجه مسلمانان را به اعمال و رفتار نبی مکرم (ص) جلب می کند.

نمونه های نعت پیامبر اکرم:

انوار جمال

از خُدا پرسید مردی نکته رس زندگی آیا بود تارِ نفس
گفت، گویم با تو از سزِ حیات زندگی عشق محمد هست و
بس

(همو، همان، ص ۲۰)

.....

محبت قوتِ بدر و حنین است به منزلهای هستی نورِ عین
است
به بزمِ زندگی اسمش محمد به رزمِ زندگی نامش حسین
است

(همو، همان، ص ۴۷)

.....

گنی نخلِ امل را آبیاری یار رسول	به باغِ زندگی بادِ بهاری یا
الله	رسول الله
محبت از تو بر خیزد محبت با تو	جهان شوق را پروردگاری یا
آمیزد	رسول الله
منور گشت هر شی از جمالِ بی	تو شمسِ منزلِ نصف النهاری
مثال	یار رسول الله
دو گیتی تا ابد از تو امید لطف می	سراپا رحمت پروردگاری
دارد	یار رسول الله
غم دنیا، غم عقبی، غم الفت، غم	درین غم های پیهم غمگساری
هستی	یار رسول الله

به ظلمت گاه ادراک رموز عالم	بهسان آفتاب جلوه باری
هستی	یا رسول الله
به فیض پر تو حسن توهرشی یافت	به بزم کن فکان یکتا نگاری
زیبایی	یا رسول الله
درخشان آفتاب عالم ایمان تومی	به میدان عمل هم شه سواری
باشی	یا رسول الله
عیار کم عیاران شد گرامی مرتبت	مقام آدمی را اعتباری یا رسول
از تو	الله
به فیض تو شود حاصل طرب	سکون و راحت لیل و نهاری
ایوب را هر دم	یا رسول الله
	(همو، همان،
	صص ۱۳۰-۱۳۱)

.....

ز کرامت جمیلی ز فیوض	به جمال هم رسیدم به کمال
با کمالی	هم رسیدم
به تب فراق جانان تپشم گرفت	ز وفور اشکباری به کناریم
لیکن	رسیدم
ز حدوث می شمردم همه هست	به نگاه شوق لیکن به سر قدم
و بود خود را	رسیدم
به سیل خوش مذاقی ز نگاه	ز مقام جرعه نوشی به سبوی
لطف ساقی	چم رسیدم
به طریق خاکساری سفری نمودم	به هوای جان نثاری به شه امم
اول	رسیدم

(همو، همان، صص ۲۰-۲۱)

گویم به صد صدق و صفا آقای
من آقای من
(همو، همان، ص ۱۱۵)

.....
پرسد اگر خلق خدا آن کیست در
ذکر شما

سائلی رفت نه محروم گهی از
در ما
تا ابد باد سلامت غم جان پرور
ما

که رود از پر ما گاه رسد در پر ما
در ره عشق بُتی رفت چها بر سر
ما
دجله آب فرور یخت ز چشم
تر ما

نیست در گلکده کون و مکان
همسر ما
گشت هر عشوۀ آن دلبر ما
محو ما

هست پاپوش که پوشید به پا
افسر ما

.....
هست احسان و سخاشیوۀ پیغمبر
ما
هست سرمایه هستی ستم دلبر ما

دارد آن شوخ به صد کشمکش
هجرو وصال
رنج و غم درد و الم سوز و تب و
زسوائی

بهر سیرایی گلهای گلستان جهان
آن گلانییم که مثلش به گلستان
نشگفت

گرد او قافله زندگی ما گردد
سرمه دیده ما خاک کف پای نگار

هیچ از راهنما یان به کمالش سرور راهبران نیز بود سرور ما
نرسد

(همو، همان، ص ۱۲۷)

از مجموعه "آب حیوان":

حیات آگین پیام مصطفی هست حیات افروز نام مصطفی هست
نگاه کس ندارد ره به اوجش بسی والا مقام مصطفی هست
(همو، ۱۹۷۸ م، ص ۱۸)

به حضور رحمة للعالمین:

ای ماه مبین با کله ابرسیاهی از لطف بر این بنده ناچیز
نگاهی

ای صاحب لولاک لما غایت ای رحمت هر عالم و کونین
پناهی هستی

اکمل به کمال آبی واحسن به اعلی زهمه خلق ترا رتبه
جمالی وجاهی

من پیش تو از سنگ و خزف ریزه تو گوهر تابنده رشک خور
فروتر وماهی

من جان و تن خویش به پای تو سرخم نکنم پیش خداوندی
نهادم وشاهی

خوابی که جوانان بگرفتند زبایم باناله شوریده وبا نغمه گاهی
تا دور کنم تیرگی بخت حرم را از عشق تو دریوزه کنم شعله
آهی

از کرده خود امت تو زار و زبون در مانده و افسرده و در حال
است تباهی

نی سوزِ یقین در دل و نی نور به چشمش
از خیر گریزنده و مائل به گناهی
سر سبز دگر بار کن ای آیه رحمت این کشتِ خزان دیده و بی برگ
و گیاهی
(همو، همان، ص ۱۹۰)

نمونه نعت از "نوای فردا":

یارب شعورِ عظمتِ خیر البشر بده رازِ حیات فاش کند آن نظر بده
هستم ز بندگانِ غلامانِ مصطفی سرمایه غلامی او بیشتر بده
(ایوب: ۱۹۵۶ م، ص ۴)

.....

جهاندارِ دوگیتی وارثِ افلاک من از ادنی غلامانِ شه لولاک
می آیم می آیم
(همو، همان، ص ۴۳)

.....

سرم از نقشی پای خواجه بطحا برای من نماز است این، نماز است
میرد آید این، نماز است این
(همو، همان، ص ۱۸۶)

کتابشناسی منابع

- * القرآن
- * احمد، ظهور الدین (۲۰۰۵ م) پاکستان میں فارسی ادب، ج ۶، اسلام آباد، پاکستان

- *- ایوب، محمد (۱۹۵۲م)، نوای فردا، لاہور، پاکستان
- *- همو (۱۹۷۸م)، آب حیوان، لاہور، پاکستان
- *- همو (۱۹۷۹م)، انوارِ جمال، لاہور، پاکستان
- *- تسییحی، محمد حسین (۱۹۷۷م)، فارسی پاکستان و مطالب
پاکستان شناسی، ج ۱، اسلام آباد، پاکستان
- *- سلیچ، محمد منیر احمد (۲۰۰۶م)، وفيات ناموران پاکستان،
اردو سائنس بورڈ، ۱۹۹ پر مال، لاہور، پاکستان
- *- عبدالرشید، خواجہ (۱۹۶۷م)، تذکرہ شعراى پنجاب، اقبال
اکادمی، کراچی، پاکستان